

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)  
سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، پیاپی ۳۶

DOI: 10.22051/tqh.2017.13328.1456

## جایگاه مرویات کعب الاحبار در تفاسیر شیعه تا اواخر قرن ششم

سیده وحیده رحیمی<sup>۱</sup>

سحر یوسفی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۸/۲۲

### چکیده

کعب الاحبار در ورود روایات اسرائیلی به منابع دینی نقش بسزایی داشته است؛ عده‌ای از مفسران شیعه در تفاسیر خود از اقوال کعب- الاحبار استفاده کرده‌اند، لذا بازشناسی گونه‌های روایات کعب در تفاسیر شیعه و موضع مفسر در برخورد با این مرویات بسیار حائز اهمیت است. با توجه به گستردگی تفاسیر، این پژوهش از قرون نخست تا اواخر قرن ششم تفاسیر شیعه را مورد بررسی قرار داده است، در مجموع ۱۶ تفسیر مورد مطالعه قرار گرفت. که از این مجموعه حدود ۸ تفسیر حاوی روایاتی از کعب الاحبار بودند؛ این تفاسیر عبارتند از: تفسیر قمی، فرات کوفی، التبیان، مجمع البیان و

svrahimi@yahoo.com

S.yousefi2222@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

جوامع الجامع، روض الجنان، مفاتیح الاسرار و المنتخب فی تفسیر القرآن. مجموع اقوال مروی از کعب در تفاسیر شیعه تا اواخر قرن ششم حدود ۹۷ قول است. این روایات در ۸ محور قابل تقسیم بندی است، مهم ترین این محورها عبارتند از: تبیین واژه های قرآنی، شرح و توضیح آیات، تبیین آیات قرآن در قالب بیان مصادیق، نقل جزئیات داستان. با توجه به وسعت روایات تفسیری در تفاسیر مورد بحث، آمار اقوال کعب در بین مجموعه بسیار اندک است و سبک و گرایش تفسیری مفسران ارتباط مستقیمی در ورود مرویات کعب دارد. مفسران مورد بحث در برخورد با روایات کعب به سه صورت موضع خود را بیان کرده اند: ۱. نقل بدون داوری ۲. پذیرش روایات کعب ۳. رد روایات کعب؛ قرائن موجود در تفاسیر، حاکی از آن است که مرویات کعب نقش موثری در آراء تفسیری مفسران ندارد و جایگاه خاص و قابل توجهی را به خود اختصاص نداده است.

**واژه های کلیدی:** تفاسیر شیعه، مرویات کعب الاحبار، اسرائیلیات.

## مقدمه

اسرائیلیات، مفهوم گسترده و فراگیری است که شامل تمام داستان های خرافی، افسانه های اساطیر و روایات مجعول و ساختگی می شود که از آیین یهود و دیگر ادیان به منابع اسلامی راه یافته است. دهه دوم بعد از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) عصر رواج اسطوره ها، افسانه ها و اسرائیلیات است. (ابوشهبه، ۱۴۰۸، ص ۸۹) کعب الاحبار از جمله افرادی است که در راه یابی روایات اسرائیلی به منابع دینی نقش بسزایی داشته است و مفسران شیعه در تفاسیر خود در کنار بیان اقوال عده ای از صحابه و تابعین به نقل مرویات کعب الاحبار پرداخته اند، از آنجاییکه برخی، مفسران شیعه را متهم به ورود اسرائیلیات در

تفاسیر خود کرده‌اند. (ذهبی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۰۴) بدون شک بررسی کیفیت استفاده از اقوال کعب در تفاسیر شیعه بسیار حائز اهمیت است. در این پژوهش، نگارنده در پی آن است که به بررسی تعامل مفسران ۶ قرن اول با مرویات کعب پردازد و علت انتخاب این بازه زمانی می‌تواند از چند جهت حائز اهمیت باشد.

۱. نزدیک بودن تفاسیر قرون اول و دوم به زمان صدور این مرویات
۲. اوج نقل این مرویات در قرن ۶ (اوج و گسترش تفاسیر واعظانه)<sup>۱</sup>
۳. محدود کردن بازه - با توجه به گستردگی تفاسیر شیعه - جهت ارتقای کیفی پژوهش در استخراج نتایج

این پژوهش بر مبنای گردآوری و استخراج روایات کعب در پی پاسخگویی به این پرسش است که مرویات کعب در تفاسیر مورد بحث در چه گونه‌هایی است؟ موضع مفسران شیعه با این دسته روایات چگونه است؟

هر چند که به‌طور کلی درباره اسرائیلیات و نقش کعب‌الاحبار پژوهش‌هایی از قبیل: «کعب‌الاحبار و دوره فی تفسیر القرآن» از صباح بیضون (۱۳۸۱)؛ «اسرائیلیات در تفاسیر قرآن با تأکید بر جامع البیان طبری و مجمع البیان طبرسی» از محمدعلی ناصری (۱۳۸۵)؛ «اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیا در تفاسیر قرآن» از حمید محمدقاسمی (۱۳۷۸) و «پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن» از محمد تقی دیاری بیدگلی (۱۳۷۹)،

---

۱. قرن ششم، قرن اوج و گسترش تفسیر «واعظانه» و غلبه آن بر تفسیر علمی است. (پاکتچی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴) تفسیر واعظانه گرایش تفسیری است که دغدغه مفسر در آن هدایت عامه مردم است و برای رسیدن به این هدف از روش‌های خاصی بهره می‌برد. البته این گرایش در کنار دیگر گرایش‌های مفسر، به تفسیر او رنگ و بوی واعظانه می‌دهد. هدف مفسر در این نوع تفاسیر اثر گذاری بر مخاطب است در نتیجه از اموری استفاده می‌کند که مخاطب عام در درستی آن شکی ندارد؛ از این‌رو از امور بدیهی و مسلم و مشهور فراوان بهره می‌گیرد. بیان داستان نیز از اموری است که مفسر، بسیاری از آن استفاده می‌کند یکی از معاصران از این نوع تفسیر به داستان‌پردازی تعبیر می‌کند و معتقد است در تفاسیر واعظانه، داستان‌هایی مثل داستان حضرت یوسف(ع) با آب و تاب و ظرافت‌های بسیار نقل می‌شود. (همان، ص ۲۰۱) نتیجه این داستان‌پردازی، اسرائیلیات فروانی وارد این نوع تفسیر می‌گردد و مفسر در قبال بیان صحت و سقم قصه‌ها مسئولیتی احساس نمی‌کند. (رک: شریفی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳) چون قرار است تفسیر واعظانه نوعی آموزش عمومی به عامه مردم بدهد، در نتیجه باید به زبانی ساده و در عین حال دارای مطالب جذاب و شنیدنی باشد. بنابراین در تفاسیر واعظانه، زبان‌های محلی پیدا می‌کند. (پاکتچی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱)

نگارش شده است؛ اما پژوهش حاضر از آن جهت که به بررسی تعامل مفسران شیعه از قرن اول تا اواخر قرن ششم با روایات منقول از کعب الاحبار پرداخته، با نمونه‌های هم‌موضوع تفاوت ماهیتی دارد.

### ۱. گذری بر شخصیت کعب الاحبار

کعب الاحبار فردی یهودی بوده، که در زمان خلافت عمر به دین اسلام گروید.<sup>۱</sup> (عسقلانی، ۱۳۵۸، ج ۳، ص ۲۹۷؛ محمدبن احمدبن عثمان ذهبی، ۱۴۲۷، ج ۳، ص ۳۵۴؛ ابوشهبه، ۱۴۰۸، ص ۱۰۱) وی از یهودیان اهل یمن بود و پس از آنکه اسلام آورد به مدینه هجرت کرد و سپس به شام رفت. معاویه بر این باور بود که او از دانش فراوانی برخوردار است به طوری که از وی نقل شده: «آگاه باشید که کعب الاحبار یکی از علماست». (المزی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۴۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۵۷۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۳۴؛ محمد حسین ذهبی، ۱۴۱۱، ص ۷۵)؛ بنابراین او را به عنوان یکی از مستشاران خویش برگزید. معاویه اولین کسی بود که به کعب دستور داد تا در سرزمین شام قصه بگوید. (ابوریه، ۱۴۲۸، ص ۱۴۸)

کعب الاحبار با نفوذ در مقامات رسمی موفق بود و توانست مطالب خرافی و اوهام و سخنان دروغ و باطل را در روایات اسلامی و متن دین وارد سازد و کتاب‌های تفسیر و حدیث و تاریخ را از این خرافات پر کند و از این طریق موجب لطمه زدن و لکه دار کردن این کتاب‌ها را فراهم آورد. با وجود دلایل متقن و شواهد بسیاری که نشانگر نقش آفرینی کعب در آلوده ساختن فرهنگ اسلامی از طریق روایات اسرائیلی و دروغ پراکنی‌هایش در میان مسلمانان است. (ابوریه، ۱۴۲۸، صص ۱۴۹-۱۴۸؛ عسکری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۰۱-)

۱. درباره اسلام آوردن کعب، مطالب فراوانی نقل شده است. سیوطی در الدر المنثور حکایت می‌کند که خلیفه دوم

نزد کعب الاحبار رفته و از وی خواسته است که به آیین اسلام روی آورد، و کعب با استشهاد به آیه‌ای از قرآن (جمعه: ۵) از این امر سرباز زده، تا اینکه در سرزمین حمص آیه دیگری از قرآن (نسا: ۴۷) را می‌شنود و از ترس اینکه مبدا مشمول عذاب الهی گردد، ایمان می‌آورد. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۶۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص

۴۹۸؛ معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۹۷) متأسفانه ملاحظه می‌شود که برخی از اهل سنت، در طول قرن‌ها او را مورد وثوق و اعتماد قرار داده‌اند؛ به عنوان نمونه:

نووی در کتاب خود کعب را در جایگاهی می‌داند و می‌گوید: «تمام علما بر مرتبت علمی والا و موثق بودن او اتفاق نظر دارند». (النووی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۸)

ذهبی می‌نویسد: «کعب به خاطر اتهام‌هایی که به وی بسته‌اند، مظلوم است و من درباره او هیچ نمی‌گویم، مگر اینکه وی فردی عالم، موثق و مورد اطمینان بود که برخی از اسمش سوء استفاده کرده‌اند و به او روایاتی را که بیشتر آنها از خرافات و باطیل است نسبت داده‌اند تا آنها را در میان عوام اشاعه دهند و جهال بدانها دل‌خوش دارند». (ذهبی، ۱۴۱۱، ص ۸۲)

در پاسخ به این نکات باید گفت به چه دلیل باید از او سوء استفاده کنند؟ این انتساب‌ها باید به‌طور مستند ثابت شود در غیر اینصورت این اقوال فرضیاتی واهی خواهند بود.

محقق متأخر دیگری درباره کعب گوید: «او از دانشمندان بزرگ بود و صحابه به علم ایشان شهادت داده‌اند؛ کعب در موعظه کردن سختگیر بود و بزرگان از او روایت نقل کرده‌اند». (الیاس، ۱۴۲۸، ص ۳۶۸)

در مجموع باید گفت جماعتی از اهل سنت بدون ارائه دلیل و مدرک مستند، کعب را به چشم یکی از تابعیان بزرگی نگریسته‌اند که منشا خدمت‌های بسیاری برای جامعه اسلامی بوده است. (برای نمونه رک: المزی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۴۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۶، ص ۵۷۹؛ ابوشهبه، ۱۴۰۸، ص ۱۰۱؛ محمدبن احمدبن عثمان ذهبی، ۱۴۰۷، ص ۳۹۷؛ العامری، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۵؛ ابوذؤیب، ۲۰۱۳، ص ۱۰)

## ۲. مرویات کعب در تفاسیر شیعه

در این پژوهش از قرون نخست تا اواخر قرن ششم حدود ۱۶ تفسیر<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گرفت؛ مجموعه این تفاسیر بر اساس میزان روایات کعب به دو دسته قابل تقسیم است: ۱. تفاسیر فاقد مرویات کعب<sup>۲</sup>. ۲. تفاسیر حاوی مرویات کعب.

### ۲-۱. تفاسیر فاقد مرویات کعب

بررسی‌های انجام شده در تفاسیر مورد بحث نشان می‌دهد که حدود ۸ تفسیر روایتی از کعب نقل نکرده‌اند. این تفاسیر عبارتند از:

۱. القرآن الکریم ابو حمزه ثمالی (۱۵۰ هـ. ق.)
۲. تفسیر مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ هـ. ق.)
۳. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) (۲۶۰ هـ. ق.)
۴. تفسیر عیاشی (حدود ۳۲۰ هـ. ق.)
۵. تلخیص البیان فی مجازات القرآن شریف الرضی (۴۰۶ هـ. ق.)
۶. نفائس التاویل شریف مرتضی (۴۳۶ هـ. ق.)
۷. فقه القرآن قطب الدین راوندی (۵۷۳ هـ. ق.)
۸. متشابه القرآن و مختلفه ابن شهر آشوب (۵۸۸ هـ. ق.)

به نظر می‌رسد که سبک و گرایش مفسران در این دسته تفاسیر سبب شده که مرویات کعب در این دسته تفاسیر یافت نشود. به عنوان نمونه تفسیر متشابه القرآن ابن شهر آشوب تفسیری است که گرایش مفسر در آن پرداختن به مسائل ادبی و علوم قرآنی از قبیل: محکم و متشابه، وحی، اعجاز و... است. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۱۵) بنابراین در این نوع تفاسیر مرویات افرادی از قبیل کعب‌الاجبار که بیشتر روایات آن صبغه داستانی دارد، دیده نمی‌شود.

۱. اهم تفاسیر شیعه مورد بررسی قرار گرفت. افزون بر آن با توجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی جایگاه اقوال کعب در تفاسیر شیعه تا اواخر قرن ششم بوده و از طرفی استخراج این مرویات به دقت و ظرافت خاصی نیازمند بود، لذا جهت استخراج مرویات از نرم افزار جامع التفاسیر استفاده شده است.

با بررسی برخی تفاسیر متقدم که فاقد مرویات کعب هستند، اما اسرائیلیات دیگر در آن‌ها به چشم می‌خورد، سوال جدی درباره صحت انتساب این دسته روایات به این مفسران گرانقدر در ذهن نقش می‌بندد.

به عنوان نمونه، تفسیر مقاتل بن سلیمان (۱۵۰هـ. ق) از جمله تفاسیری است که اگرچه روایتی از کعب در آن یافت نشد؛ اما مفسر از داستان‌ها و روایات اسرائیلی در تفسیر آیات استفاده کرده است. به عنوان مثال، مفسر ذیل آیات ۲۰-۱۹ سوره نجم به نقل افسانه غرائیق (رک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۶۲) و ذیل آیات ۳۹-۳۶ سوره احزاب به ماجرای ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش، پرداخته است. (رک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۹۰) آیت الله معرفت بیان می‌دارد که تفسیر مقاتل تحریف شده است؛ از نظر وی، تفسیر مقاتل یک تفسیر جامع بوده که آثار فروزان عقل در آن پیداست و بیشتر به اهداف و مقاصد عالیه قرآن نظر دارد. این تفسیر در دوران ظهورش و از همان ابتدا مورد توجه بوده و نظر دانشمندان را به خود جلب نموده است؛ ولی در دوران متاخر یک نوع بی‌مهری نسبت به آن احساس می‌شود و عامل آن عملکرد ناروای راویان این تفسیر است که در آن تصرف نموده و گرچه اندک بر آن افزوده‌اند. (معرفت، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۸)

## ۲-۲. تفاسیر حاوی مرویات کعب

از مجموع ۱۶ تفسیر بررسی شده حدود ۸ تفسیر حاوی روایاتی از کعب بودند. این تفاسیر بر اساس ترتیب تاریخی عبارتند از:

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷هـ. ق): ۱ مورد

۲. تفسیر فرات کوفی (۳۰۷هـ. ق): ۱ مورد

۳. التبیان شیخ طوسی (۴۶۰هـ. ق): ۷ مورد

۴. مجمع البیان و جوامع الجامع مرحوم طبرسی (۵۴۸هـ. ق): ۱۲ مورد

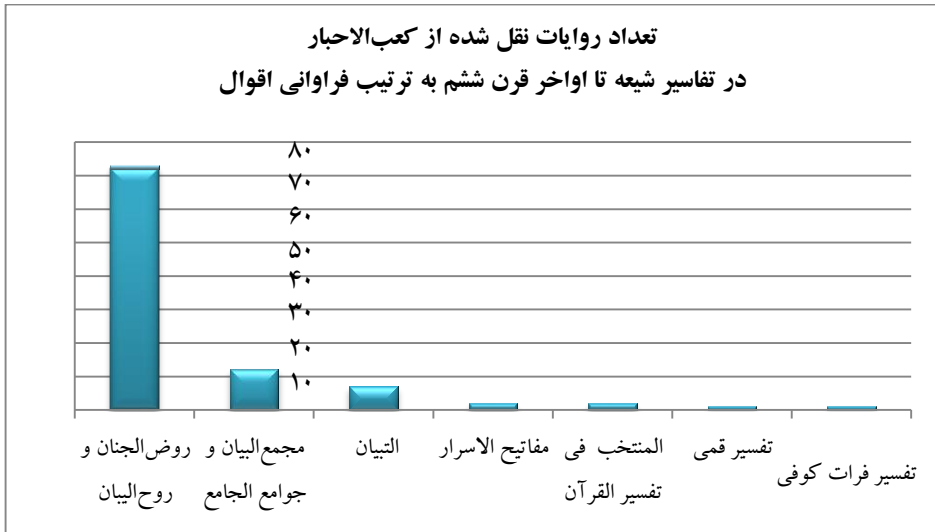
۵. مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار شهرستانی (۵۴۸هـ. ق): ۲ مورد

۱. این تفسیر جز تفاسیری است که شیعه یا سنی بودن آن مورد سوال است. در کتاب طبقات مفسران شیعه با دو

استدلال این تفسیر در شمار تفاسیر شیعه قرار گرفته است. (رک: عقیقی یخشایشی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۲-۱۴۹)

۷. روض الجنان و روح الجنان ابوالفتوح رازی (۵۵۶هـ. ق): ۷۲ مورد

۸. المنتخب فی تفسیر القرآن ابن ادریس (۵۹۸هـ. ق): ۲ مورد



باتوجه به نمودار، در تفسیر قمی به ندرت از مرویات کعب الاحبار استفاده شده است؛ اما این دلیل موجهی برای این مساله نیست که این تفسیر فاقد اسرائیلیات باشد. اما نمی توان گفت که این مفسر خود ناقل اسرائیلیات بوده است، دقت و بررسی در تفسیر قمی نشان می دهد که این تفسیر حاوی اسرائیلیاتی بوده که در بین داستان های انبیا وارد شده است. به عنوان نمونه ذیل آیه ۱۰۲ سوره بقره به نقل داستان هاروت و ماروت پرداخته شده است که دوتن از فرشتگان الهی بر روی زمین آمدند و چهار عمل زشت مرتکب شدند. (رک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۶) این داستان، داستانی خرافی و باطل است که به ملائکه بزرگوار خدا نسبت داده اند. به عقیده برخی، تفسیر قمی کنونی آمیخته ای از تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر ابوالجارود<sup>۱</sup> زیدی مذهب و روایات دیگران است. لذا انتساب آن به علی بن ابراهیم

۱. زیادبن منذر همدانی کوفی خارفی (متوفی بین ۱۵۰ تا ۱۶۰ هجری)، او نخست در زمره خواص امام باقر(ع) و سپس امام صادق(ع) بود، ولی پس از قیام زیدبن علی از هواداران او گردید و از امام صادق(ع) کناره گرفت و در این راه به اندازه ای گستاخانه رفتار کرد که مورد نفرت و نفرین حضرت قرار گرفت. وی با لقب «سرحوب» (حیوان ناپینای دریایی) شهرت یافت و فرقه «سرحویه-زیدی» منتسب به اوست. رجالیان عامه و خاصه او را در نقل حدیث ضعیف شمرده اند. (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۴۳؛ خوبی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۳۲)



قمی ارزش سندی ندارد. (رک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۳-۳۰۲؛ معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۲۶) به گفته آیت الله معرفت شواهدی در دست است که نشان می دهد این تفسیر نمی تواند نوشته بزرگوار همچون علی بن ابراهیم بوده باشد. وی شواهد موجود را در کتاب خود آورده است. (رک: معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۸۰-۴۷۹)

در مجموع می توان گفت که به نظر می رسد در انتساب برخی از تفاسیر حاوی اسرائیلیات قرون اولیه به صاحبان خود تردید وجود دارد. مانند تفسیر مقاتل بن سلیمان (رک: معرفت، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۴۸)، تفسیر قمی (رک: آقا بزرگ تهرانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۳-۳۰۲) و تفسیر فرات کوفی<sup>۱</sup> (همان، ج ۴، ص ۲۹۹). بنابراین مادامی که دلیل قطعی و مسجلی در انتساب این تفاسیر به صاحبان خود وجود نداشته باشد، نمی توان مفسران را متهم به ورود اسرائیلیات در تفاسیر خود کرد.

باتوجه به نمودار فوق بیشترین روایات کعب در تفسیر ابوالفتوح رازی است، حجم روایات کعب در این تفسیر ۷۲ روایت است که در ادامه جهت بررسی دقیق تر مرویات کعب در تفاسیر مورد بحث به گونه شناسی و نحوه تعامل مفسران با این مرویات پرداخته می شود.

### ۳. گونه شناسی روایات کعب الاحبار

مجموع اقوال مروی از کعب در تفاسیر شیعه تا اواخر قرن ۶ حدود ۹۷ قول بوده و براساس محتوا، قابل تقسیم به انواعی است: ۱. تبیین واژه های قرآنی ۲. شرح و توضیح آیات ۳. تبیین آیات قرآن در قالب بیان مصادیق ۴. نقل جزئیات داستان ۵. بیان اوصاف ۶. بیان حکم فقهی در یک جریان تاریخی ۷. بیان خواص آیه ۸. تطبیق آیات قرآن با تورات

#### ۱-۳. تبیین واژه های قرآنی

یکی از نخستین مراحل در جهت فهم آیات قرآن، تبیین واژه ها است. مفسران در جهت تبیین این مهم از مرویات افراد متعددی استفاده کرده اند و گاهی اغلب احتمالات

۱. جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به: موحدی محب، ۱۳۷۸، ص ۴۵-۳۳.

موجود در تبیین یک واژه را ذیل آیه نقل کرده‌اند. بررسی در تفاسیر مورد بحث بیانگر آن است که حدود ۱۸ مورد از روایات کعب، مربوط به تبیین واژه‌های قرآنی است؛ به عنوان نمونه:

- ذیل آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲) از کعب‌الاحبار درباره «تقوی» پرسیده شد، وی گفت: «آیا هرگز در بیابان پر خار راه رفته‌ای؟ پاسخ داد: آری! کعب گفت: «در این راه چه می‌کنی؟ گفت: خویشتن را از بیابان پر خار نگه می‌دارم؛ کعب گفت: متقی آن است که در راه دین همچنان رود، و خویشتن را از معاصی چنان نگه دارد که از بیابان پر خار نگه می‌دارد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۱۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۰۱)

- عبدالله بن عباس<sup>۱</sup> درباره آیه «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِّينٍ» (مطففین: ۷)؛ پرسید که «سجین» چیست؟ کعب گفت: بدان که جان‌های کافران به آسمان برند. آسمان قبول نکند، به زمین آرند قبول نکند، به زمین دیگر فرو برند، قبول نکند تا به زمین هفتم. از آن جا به سجین برند و آن سر حد ملک ابلیس است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۸۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۸۴)

## ۲-۳. شرح و توضیح آیات

مفسران در شرح و توضیح دسته‌ای از آیات در کنار نقل اقوال دیگر به بیان مرویات کعب پرداخته‌اند؛ ذیل آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ

۱. شکی نیست که اصحاب هوشیار پیامبر(ص) - چون ابن عباس - همواره از مراجعه به اهل کتاب بر حذر بودند و افسانه‌ها و خیالات اهل کتاب را ناچیز و بی‌مقدار می‌شمردند. ابن عباس صریحاً دیگران را از مراجعه به اهل کتاب منع می‌کرد؛ چگونه ممکن است فردی که دیگران را از چیزی باز می‌دارد، خود آن را مرتکب شود. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۵۷) بخاری از عبدالله بن عبدالله بن عتبہ نقل می‌کند که ابن عباس گفت: «هان ای مسلمانان! چگونه به اهل کتاب روی می‌آورید در حالی که قرآن، تازه‌ترین سخن است و هیچگونه کژی و خلطی در آن رخ نداده، و خداوند به وسیله قرآن شما را آگاه ساخته است که اهل کتاب در کتاب خدا دست بردند و سخنی از پیش خود ساختند و به مردم گفتند: این سخن از سوی پروردگار است تا از این راه، بهره‌ای ناچیز به دست آورند. آیا دانش وحیانی، شما را از مراجعه به آنان باز نمی‌دارد؟ به خدا سوگند، هرگز ندیدیم که احدی از آنان درباره آیات وحیانی (قرآن) از شما بپرسند.» (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۹۵۳)

مِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنِ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» (فاطر: ۳۲)؛ ابن عباس و ابن مسعود و کعب الاحبار گفته‌اند: مراد از «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ» این است که خداوند همه کتاب‌های نازل شده را برای امت محمد(ص) به ارث گذاشت؛ پس ظالم آن امت را می-بخشد و برای میانه‌رو آن‌ها حساب آسانی خواهد بود؛ و پیشروان آن‌ها در نیکی، بدون حساب وارد می‌شوند. (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۴۳۰؛ ابن ادریس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۹) درباره آیه «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمِ آن» (الرحمن: ۴۴)؛ کعب الاحبار گفت: وادیی از وادی‌های دوزخ باشد که خون اهل دوزخ در او می‌رود، کافران را ببرند و بند بر نهاده در آن جا اندازند، چون یک بار در آن فرو شوند، بندها و اوصال ایشان از یکدیگر جدا شود، ایشان را از آن جا نیم مرده و پاره پاره گشته بر آرند، خدای تعالی دگر باره ایشان را خلقی نو باز آفریند، ایشان را از آن جا در آتش شخیده افکند، دأب ایشان هم چنین باشد، میان این و آن می‌گردانندشان. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۲۷۰)

### ۳-۳. تبیین آیات قرآن در قالب بیان مصادیق

در برخی تفاسیر، مفسر از راه بیان مصادیق به تبیین مراد آیه پرداخته و در این راستا از اقوال متعدد از جمله مرویات کعب استفاده کرده است. به عنوان نمونه:

- ابن عباس، ابن مسعود و کعب الاحبار ذیل آیه «أَنِّي أَدْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى» (صافات: ۱۰۲)؛ مصداق «ذبیح» را اسحاق(ع) معرفی کرده‌اند. (طوسی، بی‌تا؛ ج ۸، ص ۵۱۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۲۰۹)

- کعب الاحبار ذیل آیه «قَدْ كَانُوا يَدْعُونَ إِلِيَّ السُّجُودِ وَ هُمْ سَالِمُونَ» (قلم: ۴۳) گفت: به خدا سوگند آیه فرود نیامد، «الا» درباره آنان که از نماز جماعت تخلف کردند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۵۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۳۶۶)

### ۳-۴. نقل جزئیات داستان

داستان‌سرایی و قصه‌گویی عامل اصلی ورود بسیاری از اساطیر و افسانه‌های امت‌های دیگر همچون یهودیان و مسیحیان به حوزه اسلام است، یهودیانی که مسلمان شدند اغلب

کسانی بودند که تاریخ آیین یهود و اخبار و حوادث آن ملت را بر اساس آنچه در تورات و شرح‌های آن آمده بود، می‌دانستند به همین دلیل شروع به انتشار آن بین مسلمانان کردند و گاهی این حوادث را با تفسیر قرآن یا با حوادث تاریخی دیگر ملت‌ها ربط می‌دادند. همین امر سبب شد، روایات ساختگی فراوانی به مجموعه‌های حدیثی و تفسیری راه یابد؛ افزون بر آن، به دلیل نقل وقایع و حوادث نادرست در جریان قصه‌گویی تاریخ تحریف شد و نشانه‌های درستی در آن‌ها ضایع گردید. (رک: امین، ۱۹۷۵، ص ۱۶۰-۱۵۹) نمونه این جریان، داستان‌های نقل شده از کعب در تفاسیر مورد بحث است که بخش عمده‌ای از مرویات کعب با مطالب جزئی و غیر ضروری به خود اختصاص داده است. به عنوان نمونه دو مورد از این داستان‌ها ذکر می‌گردد.

- **داستان ارم ذات العماد:** برخی مفسران ذیل آیه ۷ سوره فجر داستان «ارم ذات العماد» را نقل کرده‌اند. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۷۳۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۲۷۱) این داستان از وهب بن منبه نقل شده و در آن کعب الاحبار نیز با وی همراه است. این داستان در مورد قوم عاد و بهشت شداد، به تفصیل در برخی تفاسیر نقل شده است.

علامه ذیل آیه ۷ سوره فجر بیان می‌دارد، «ارم» نام شهری برای قوم عاد بوده است؛ شهری آباد و بی نظیر و دارای قصرهای بلند و ستونهای کشیده، که در زمان نزول این آیات اثری از آنان باقی نمانده و هیچ دسترسی بر جزئیات تاریخ آن‌ها نیست، البته ممکن است چیزی از تاریخ آنان در افسانه‌ها آمده باشد، ولی مدرک قابل اعتمادی وجود ندارد، تنها خاطره قابل اعتمادی که از آن‌ها بر جای مانده همین مقداری است که قرآن کریم نقل کرده است و به طور اجمال می‌فهماند که قوم عاد بعد از قوم نوح (ع) بودند؛ شرح داستان‌شان در تفسیر سوره هود آمده است. و داستان بهشت ارم یکی از افسانه‌های معروف قدیمی است، که از وهب بن منبه و کعب الاحبار روایت شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰، ص ۲۷۰)

- **داستان حضرت یوسف (ع):** داستان حضرت یوسف(ع) ذیل آیه ۱۵ سوره یوسف از کعب الاحبار با ذکر جزئیات غیر ضروری نقل شده است. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۲۲-۲۱)

### ۳-۵. بیان اوصاف

حدود ۱۲ مورد از مرویات کعب نقل توصیفات در مورد اشخاص، پدیده‌های طبیعی و جزئیات کتب دیگر است، که در قسمت ذیل به برخی از آن اشاره می‌گردد.

### ۳-۵-۱. وصف آسمان و زمین

ذیل برخی از آیات، روایاتی از کعب در توصیف آسمان و زمین وجود دارد. به عنوان نمونه، ذیل آیه ۵ سوره ملک، در وصف آسمان از کعب الاحبار نقل شده است: آسمان دنیا موجی است مکفوف، و آسمان دوم از سنگ مرمر است سفید، و آسمان سوم از آهن است، و آسمان چهارم از مس است و گفتند: از روی، و پنجم از سیم است و ششم از زر است و هفتم از یاقوت سرخ. و از آسمان هفتم تا به عرش هفت حجاب است، میان هر حجابی صحراهاست و نام آن فرشته‌ای که بر حجاب‌ها موکل است قیطان‌روش است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۹، ص ۳۲۱)

### ۳-۵-۲. وصف انبیا و اولیا

برخی از روایات منقول از کعب حاوی توصیفات از انبیا است. به عنوان مثال، کعب الاحبار ذیل آیه ۱۹ سوره یوسف به وصف چهره یوسف(ع) و زیبایی وی پرداخته است. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۳۶) و در جایی دیگر ذیل آیه ۷ سوره یوسف روایتی از کعب درباره خلقت و زیبایی یوسف(ع) نقل شده است. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۴)

### ۳-۵-۳. وصف امت محمد(ص)

برخی از روایات کعب حاوی توصیفات از امت محمد(ص) است. به عنوان نمونه، ذیل آیه ۱۸۵ سوره بقره بخشی از روایت کعب اوصاف امت پیغمبر(ص) را بیان می- کند. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۰)

#### ۴-۵-۳. توصیفات از محتوای دیگر کتب

یکی دیگر از گونه‌های روایات کعب، بیان توصیفات از دیگر کتب است که مفسر ذیل برخی از آیات بدان اشاره کرده است. به عنوان نمونه:

- ذیل آیه ۷۱ سوره انبیا آمده است، کعب الاحبار به شام منزل ساخت، عمر کس فرستاد و گفت: چرا به مدینه نیایی که محل هجرت رسول(ص) است؟ گفت: من در کتب اوایل خوانده‌ام که شام گنج خدا در زمین است و خدا را از بندگان آن جا گنجی است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۴۸)

- ذیل آیه ۴۳ سوره بقره از کعب الاحبار نقل شده که در کتب اوایل آمده است که خدای تعالی گفت: سه چیز است که هر که بر آن محافظه کند او بنده من، و هر که آن را ضایع کند او دشمن است: نماز، روزه، غسل جنابت. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۴۹)

#### ۶-۳. بیان حکم فقهی در یک جریان تاریخی

- در تفسیر قمی ذیل آیه «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تُشْهِدُونَ» (بقره: ۸۴)؛ عثمان به کعب الاحبار نگاه کرد و گفت ای ابو اسحاق در مورد شخصی که زکات واجب اموالش را ادا کرده است چه می گویی؟ آیا زکاتی بعد از آن بر او واجب می شود؟ گفت نه حتی اگر قطعه ای از طلا و قطعه ای از نقره داشته باشد چیزی بر آن واجب نمی شود؛ ابوذر عصایش را بلند کرد و با آن عصا بر سر کعب زد سپس به او گفت: ای پسر یهودی کافر، تو را چه به نظر دادن در مورد احکام مسلمین؟ کلام خدا صادق تر از حرف‌های توست. از آنجا که خداوند فرموده است: «الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»

(توبه: ۳۴) در این ماجرا کعب الاحبار با نادیده گرفتن اصول و مبانی اسلامی، حکم انباشتن مال بدون پرداخت زکات را صادر می‌کند. (رک: قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۲)

### ۷-۳. بیان خواص آیه

کعب الاحبار درباره خواص آیه «فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ» (روم: ۱۷)؛ بیان کرده است که هر که این آیت بخواند، چون در روز و شب آید، هیچ چیز از او فایده نشود، و هیچ شر او را در وجود نیاید و ابراهیم خلیل(ع) این کلمات را هر روز شش بار می‌گفت. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۴۹)

### ۸-۳. تطبیق آیات قرآن با تورات

تورات، کتابی است که تاریخ پیامبران و امت‌های پیشین را در بر دارد که البته همچون دیگر کتاب‌های تاریخی، افسانه و خرافات هم به درون آن راه یافته است. کتاب تورات (عهد عتیق) بیش از آنکه کتاب آسمانی باشد، کتاب تاریخ است و آن را از آن جهت تورات نامیدند که در بر دارنده تعالیم یهود و احکام و قوانینی تغییر یافته و تحریف شده است. جزئیات رویدادهایی که قرآن به اختصار بیان کرده و با انتخاب بخش‌هایی آن-ها را در لابلای قضایا و قصه‌های خود آورده، در کتاب عهد عتیق آمده است؛ لذا برای شرح آن قضایا و روشن ساختن پاره‌ای از ابهامات می‌توان به عهد قدیم مراجعه کرد. البته با احتیاط کامل زیرا آنچه در کتب سلف درباره مسائل مطرح شده در قرآن آمده است، از سه حال خارج نیست یا با مبانی اصولی و فروع شریعت اسلام موافق و سازگار است و یا مخالف و ناسازگار و یا شریعت اسلام نسبت به آن ساکت است. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۳۸)

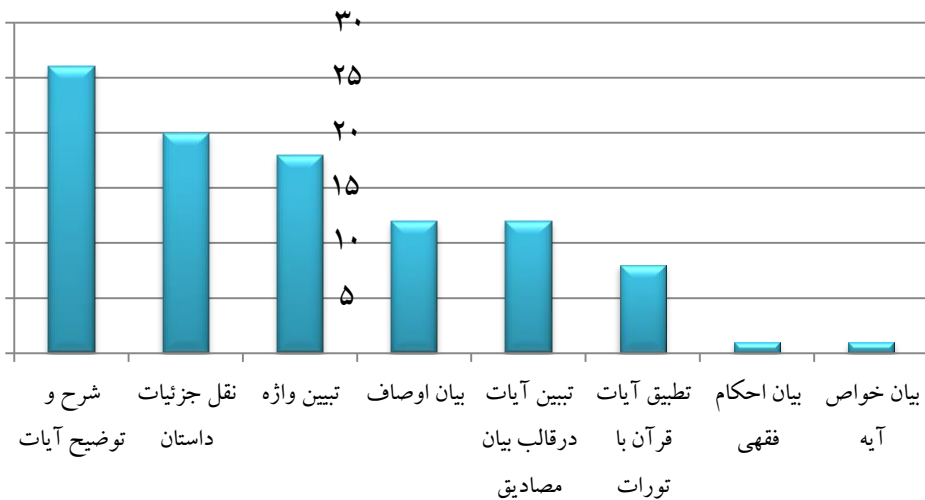
برخی از تفاسیر مورد بحث در موارد متعددی مرویاتی از کعب نقل کرده‌اند که در آن به تطبیق سور و آیات قرآن با تورات پرداخته شده است. در قسمت ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد.

- کعب الاحبار گفت: افتتاح تورات به معنی این آیه است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ...» (انعام: ۱) و ختمش به معنی این آیه است: «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا...» (اسرا: ۱۱۱) (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۷۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۷ ص ۲۲۴).

- به نقل از کعب الاحبار آمده است که افتتاح تورات با آیه: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...» (انعام: ۱۵۱)؛ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۹۴) و ختم آن با داستان هود است. (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۱۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۳۵۵)

- ذیل آیه «اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ...» (فاطر: ۴۳)؛ از کعب الاحبار روایت شده است که به ابن عباس گفت: من در تورات خوانده‌ام که هر کس گودالی بکند خودش در آن می افتد. وی در جواب گفت من هم این را در قرآن یافته‌ام و این آیه را تلاوت کرد. (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۳۷۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۳۲)

گونه های روایات کعب الاحبار در تفاسیر شیعه تا اواخر قرن ششم





#### ۴. موضع مفسران شیعه در برخورد با روایات کعب الاحبار

همانطور که قبلاً گفته شد حدود ۸ تفسیر حاوی روایاتی از کعب الاحبار بودند. مجموع اقوال مروی از کعب در این تفاسیر حدود ۹۷ قول است که این حجم در مقایسه با حجم بسیار گسترده روایات موجود در تفاسیر شیعه تا اواخر قرن ششم بسیار اندک است؛ نحوه تعامل مفسران با روایات کعب به چند صورت است، که در قسمت ذیل به تفکیک بیان می‌شود.

#### ۴-۱. نقل بدون داوری

دسته‌ای از روایات کعب بدون داوری مفسران نقل شده‌اند:

ذیل آیه «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ...» (هود:۷)؛ روایتی از عبید بن کثیر به سند معنعن از امام حسن (ع) نقل شده است؛ این روایت پیرامون تفسیر آیه و پرسش عمر از کعب الاحبار در معرفی شایسته‌ترین جانشین، بعد از نبی اکرم (ص) است که کعب، شایسته‌ترین فرد را حضرت علی (ع) می‌داند. (رک: کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۶-۱۸۳)؛ فرات کوفی این روایت را در تفسیر خود به نقل از امام حسن (ع) آورده و خودش پیرامون این جریان مطلبی عنوان نکرده است.

روایت کعب ذیل آیه «وَ جَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ...» (اعراف:۱۱۳)؛ حاکی از این است که تعداد ساحران دوازده هزار مرد بودند. (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۵۰۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۳۲-۳۳۱؛ ابن ادریس، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۲)

ذیل آیه ۱۵ سوره محمد، در تعیین مصادیق «أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ»، «أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ»، «أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ» و «أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» روایتی از کعب الاحبار نقل شده است. این روایت دلالت دارد بر اینکه: دجله جوی آب بهشت؛ فرات جوی شیر بهشت؛ نیل مصر، جوی خمر بهشت و سیحان جوی انگبین بهشت است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۳۰۰)

برخورد مفسران با آن دسته از مرویات کعب که پیرامون توصیفاتی از دیگر

کتاب و تطبیق آیات قرآن با تورات نقل شده است، از دو حالت خارج نیست:

۱. در برخی موارد مفسر به صراحت بیان کرده است که این کتاب‌ها به نزد ما کسی نیاورده و اطلاعی از (محتوای) آن در دست ما نیست. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۴۳۲)

۲. در بیشتر موارد مفسر ذیل اینگونه مرویات مطلبی عنوان نکرده و آن را بدون داوری نقل کرده است. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۱۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۹۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۳۵۵)

در مجموع، با کمی دقت و تأمل در خصوص اینگونه مرویات در تفاسیر مورد بحث، شاید بتوان گفت از آنجاییکه این دسته از روایات با اصول و مبانی دین در تعارض نیستند، مفسران در برخورد با آن سکوت کرده‌اند.

#### ۲-۴. پذیرش روایات کعب

مفسران، برخی از روایات کعب را با ارائه تفسیر و روایتی مشابه به طور غیر صریح مورد پذیرش قرار داده‌اند؛ در قسمت ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌گردد.

- یازده مورد از مرویات کعب در برخی از تفاسیر مورد بحث به دلیل عدم تعارض با روایات، مورد نقد جدی مفسران قرار نگرفته است؛ به‌عنوان نمونه: طبرسی ذیل آیه ۱۹ یوسف در توصیف چهره یوسف (ع) ابتدا به حدیثی از پیغمبر (ص) مبنی بر اینکه، نیمی از همه زیبایی‌ها را به یوسف (ع) دادند و نیمی دیگر را به سایر مردم، اشاره می‌کند و در ادامه به نقل قولی از کعب می‌پردازد. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۳۶)؛ نقل قولی از کعب در تفسیر واژه «متقین» ذیل آیه «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره: ۲)؛ نقل شده است و با روایت ذیل آن که مضمون آن احتیاط در عمل است تعارض ندارد. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۱۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۱)

- با نقل تفسیری مشابه توسط برخی از مفسران، ۶ مورد از مرویات کعب مورد خدشه قرار نگرفته است؛ به عنوان نمونه:

ذیل آیه «وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (یوسف: ۶۹)؛ روایتی از کعب الاحبار مبنی بر شناسایی یوسف (ع) توسط

بنیامین، نقل شده که مفسر آن را بعید ندانسته است؛ ادله مفسر در تأیید این روایت بدین جهت است که با پذیرش این وجه از تفسیر آیه، سؤال سائل مبنی بر اینکه؛ چگونه رواست که یوسف(ع) برادر خود را به دزدی متهم کند در حالیکه برادرش وی را شناخته و چگونه غم دلتنگی بر بنیامین راه دهد؟ ساقط می شود. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۱۷)

کعب الاحبار، مصداق عبارت «بَعْضٌ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللّٰهَ» (بقره: ۲۵۳) را موسی (ع) می داند و سپس وی در تفصیل این ادله مطلبی نقل کرده است. (رک: شهرستانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۵۸)؛ به عقیده مفسر مراد از «بَعْضٌ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللّٰهَ» حضرت موسی(ع) است. (شهرستانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۵۷)

### ۳-۴. رد روایات کعب

بسیاری از روایات کعب در تفاسیر مورد بحث از دایره انتفاع خارج شده اند. رد مرویات کعب توسط مفسر به دو بخش قابل تقسیم است: ۱. رد صریح مفسر ۲. رد غیر صریح مفسر

#### ۱-۳-۴. رد صریح مفسر

مفسران در تعامل با برخی از مرویات کعب موضع صریح و جدی خود را نشان داده اند که در قسمت ذیل به دو مورد از آن اشاره می گردد:

ذیل آیه «إِنَّ اللّٰهَ يَمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (فاطر: ۴۱)؛ آمده است که یکی از اصحاب عبدالله بن مسعود، نزد کعب الاحبار رفت تا از او علم آموزد. چون باز آمد عبدالله به او گفت: از کعب چه آموخته ای؟ گفت، شنیدم که می گفت: آسمان بر قطبی می گردد چون قطب آسیا و آن قطب بر دوش فرشته ای است. عبدالله گفت: بایستی تا رحلت کنی و این علم بیاموزی، کعب دروغ گفت و او جهودی رها نکرده است، خدای تعالی گفت: «إِنَّ اللّٰهَ يَمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضَ أَنْ تَزُولَا». (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۱۲۴)؛ مفسر،

روایت کعب را با نقل روایتی تازه به صراحت رد کرده است، افزون بر آن مرویات کذب کعب را ذیل آیه‌ای انتخاب کرده که کاملاً با آن در تعارض است.

- کعب الاحبار مراد از آیه «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً وَ آوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ» (مومنون: ۵۰)؛ را «بیت المقدس» می‌داند و معتقد است که بیت المقدس نزدیک‌ترین زمین به آسمان است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۸) دیدگاه کعب ذیل این آیه در بیان اینکه عبارت «وَأَوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ» اشاره به بیت المقدس دارد مخدوش نیست چراکه برخی مفسران نیز این تفسیر را از آن جهت که ممکن است جمله فوق اشاره به محل تولد مسیح (ع) در بیابان بیت المقدس باشد، محتمل شمرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۵۲) اما نکته قابل توجه این است که کعب در ادامه مرویات خود بیان کرده است که «بیت المقدس» نزدیک‌ترین زمین به آسمان است و در واقع یک نوع فضیلت انحصاری برای بیت المقدس مدنظر قرار داده که همواره یهودیان بدان اهتمام داشته‌اند. مرویات کعب در تفسیر این آیه از آن جهت که در ارتباط با اماکن خاص و مورد توجه یهود بوده، قابل تامل است. چراکه کعب الاحبار و دیگر یهودیان در فضائل بیت المقدس و دیگر مکان‌های شام، روایاتی ساختند و آن را نقل کردند و اهالی شام بسیاری از این گونه اسرائیلیات را از آنان فراگرفته و به نقل آن پرداختند. ستودن علمای یهود از شامات به خاطر برنامه‌ای بود که آنان در میان خود پنهان می‌کردند؛ در حالیکه شام چنان نبود که شایسته توجه و ستایش باشد، مگر به خاطر دولت بنی‌امیه که در آنجا برپا شد. همان دولتی که در آن حکم از خلافت عادلانه، به پادشاهی تهدیدکننده دیگران تبدیل شد و در زیر سایه حکومت آن، فرقه‌های اسلامی پدید آمد و در شام بود که درست کردن حدیث بسیار شد و عالمان یهودی از فرصت به‌دست آمده، بهترین استفاده را بردند و آتش فتنه افروختند و آن را با لشکرهایی از دروغ و فریب کمک کردند. (ابوریه، ۱۴۲۸، ص ۱۷۰) کعب الاحبار در فضیلت بیت المقدس گفت: روز قیامت پیش نمی‌آید تا بیت الحرام به دیدار بیت المقدس رود، همه در آنجا با تسلیم در برابر پروردگار، وارد بهشت می‌شوند در حالیکه اهالی هردو، داخل آن‌ها هستند. (ابوریه، ۱۴۲۸، ص ۱۶۸)

ابوالفتوح رازی ذیل آیه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»، (آل عمران: ۹۶)؛ تصریح می کند که، خدای تعالی در این آیات هفت فضیلت برای کعبه برشمرد که هیچ یک از آن برای بیت المقدس نیست و این ردی بر [ادعای] یهودیان است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۳۸)؛ طبرسی ذیل آیه «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱۴۲: بقره)؛ بیان می کند که خداوند با این گفتار قول کسانی که گمان می کردند «بیت المقدس» از کعبه با شرافت تر است و بهتر آن است که همیشه قبله باشد را باطل و مردود می سازد؛ طبرسی در ادامه اشاره می کند که همه مکان ها ملک خداست و هر زمان با اراده خداوند و بر طبق مصلحت و حکمت او شرافت و عظمت داده می شود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۱۲) بنابراین می توان گفت روایات کعب دال بر فضیلت انحصاری بیت المقدس، مورد نقد و موضع گیری جدی مفسران واقع شده است.

### ۲-۳-۴. رد غیر صریح مفسر

در تفاسیر مورد بحث، بسیاری از روایات کعب به طور غیر صریح، توسط مفسران مردود شده اند. در ادامه به چند نمونه اشاره می گردد.

- روایاتی از کعب با ارائه تفسیری متفاوت توسط مفسر از دایره انتفاع خارج شده است. به عنوان نمونه: در برخی تفاسیر از ابن عباس و ابن مسعود و کعب الاحبار در تبیین عبارت «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ...» (فاطر: ۳۲)؛ نقل شده است که خداوند همه کتاب های نازل شده را برای امت محمد(ص) به ارث گذاشت. (رک: طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۴۲۹؛ ابن ادریس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۹) در حالیکه به عقیده مفسران مراد از «الکتاب» در این آیه قرآن است. (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۴۳۰؛ ابن ادریس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۰۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۴۴) علامه طباطبایی دلیل این مطلب را اینگونه عنوان می کند که «الکتاب» در آیه مورد بحث - به طوری که از سیاق برمی آید - قرآن کریم است، و غیر از این هم نمی تواند باشد، برای اینکه در آیه قبلی بدان تصریح کرده، فرمود: «وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ». بنا بر این «الف و لام» در الکتاب؛ الف و لام عهد خواهد بود و معنای

«الکتاب» همان کتاب خواهد بود، نه الف و لام جنس (به معنای همه کتاب‌ها). بنا براین دیگر نباید به گفته کسی که گفته، الف و لام برای جنس است، و مراد از کتاب مطلق کتاب‌های آسمانی است که بر انبیاء نازل شده اعتنا کرد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۴۴) ذیل آیه «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خُذْ بِكَوْنِكَ وَارْفَعُكَ إِلَيَّ...» (آل عمران: ۵۵)، از کعب الاحبار و دیگران در تبیین معنای «توفی» نقل شده است، به معنی قبض اوست و به معنی قبض روح و جان برداشتن نیست؛ ابوالفتوح رازی ذیل این آیه اقوال متعدد را نقل می‌کند و سپس در بین اقوال اختلافی قول علی بن طلحه را مبنی بر اینکه «توفی» دلالت بر ممات می‌کند (این متوفیک، ای ممیتک)، می‌پذیرد و بیان می‌کند که این قول به ظاهر، به حقیقت نزدیک‌تر است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۳۵۰) بنابراین می‌توان گفت که مفسر با پذیرش قول علی ابن طلحه در تبیین واژه «توفی» بقیه اقوال از جمله قول کعب را کنار گذاشته است.

– مفسران برخی از مرویات کعب را با استناد به روایات معصومین (ع) رد کرده‌اند، به عنوان نمونه:

روایتی از کعب ذیل آیه ۳۳ سوره ص در مورد عرض خیل سلیمان (ع) نقل شده است که کاملاً با روایت صادره از امام علی (ع) منافات دارد. (رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷۴۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۲۷۴)

در برخی تفاسیر ذیل آیه ۱۰۲ سوره صافات روایتی از کعب الاحبار نقل شده است که ذبیح، اسحاق (ع) بود؛ در ادامه، روایتی از پیغمبر (ص) نقل شده است، که فرمودند: من فرزند دو قربانی‌ام؛ اسماعیل (ع) و عبدالله. (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۱۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۲۱۱)؛ مشهود است که دیدگاه کعب الاحبار در معرفی «ذبیح» با روایت ذیل آن کاملاً در تعارض است.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، مفسران حدود ۴۶ قول کعب را بدون دآوری و حدود ۱۸ مورد را با ارائه تفسیر و روایتی مشابه پذیرفته و حدود ۳۳ مورد را رد کرده‌اند. بیشترین حجم روایات مربوط به تفسیر روض الجنان است که شامل ۷۲ روایت از کعب می‌شود.

تفسیر ابوالفتوح رازی جزء اولین تفاسیر واعظانه شیعه بوده که در قرن ششم نگارش شده است. (شریفی، ۱۳۹۴: ص ۱۲۱) این تفسیر از نمونه‌های نادر تفاسیر واعظانه در میان شیعه است. فارسی بودن این تفسیر در آن دوره نیز قابل توجه بوده و نشان از اهمیت و عظمی آن دارد. تفسیر روض الجنان مانند دیگر تفاسیر واعظانه به ذکر و بیان تفصیلی داستان‌ها توجه دارد و به اندک مناسبتی باب اندرز و موعظه را گشوده است. به همین دلیل، به ذکر و بیان تفصیلی داستان‌ها توجه دارد.<sup>۱</sup> (رک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۳۷۶)

چون بیشتر روایات کعب صبعه داستانی دارد؛ بنابراین، این تفسیر بیشترین حجم روایات را به خود اختصاص داده است. غالب روایات مروی از کعب الاحبار در تفسیر روض الجنان مربوط به تفسیر آیات قرآن و سپس داستان‌ها و توصیف‌هاست، بسیاری از داستان‌ها و توصیفات مروی از کعب الاحبار، حاوی توضیحات اضافی و جزئیاتی غیر ضروری است که دست‌یابی به آن مدخلیتی در فهم آیات ندارد؛ به نظر می‌رسد دلیل وی و دیگر مفسران جهان اسلام این است که این‌گونه اخبار با احکام و اعتقادات اسلامی ارتباطی ندارد، علاوه بر آن از نقل یک داستان به گونه‌های متفاوت، خواننده می‌فهمد که هیچ‌یک از آن‌ها دارای اعتبار کافی نبوده و مراد از نقل آن‌ها تنها پند و درسی است که از قدر مشترک آن‌ها فهمیده می‌شود. (شعرانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۳) لازم به ذکر است که ابوالفتوح رازی نسبت به روایاتی که با اصول و مبانی دین در تعارض بوده موضع خود را نشان داده است، هر چند که شاید در نگاه اول سکوت مولف ذیل این دسته از روایات دیده شود، اما با کمی دقت، تامل و بررسی در تفسیر روض الجنان می‌توان به موضع صریح مفسر در رد اینگونه روایات دست یافت. مفسر ذیل آیه ۸۳ سوره انبیا پیرامون ماجرای حضرت ایوب(ع) بیان می‌دارد: قصاص از وهب و کعب و دیگران، محال و حشو و ترهات و ناشایست در قصه ایوب گفته‌اند از آنچه عقل‌ها منکر باشد آن را، و اضافه کرده بسیار فواحش در آن باب با خدای تعالی و با ایوب، و ما این کتاب را صیانت کردیم از امثال آن احادیث، آنچه از آن حدیث‌ها مستنکر نیست و مخالف ادله عقول و مناقض آنچه

۱. به عنوان نمونه: رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ج ۸، ص ۲۷۱؛ ج ۱۰، ص ۱۹۶؛ ج ۱۱، ص ۲۱؛ ج ۱۵، ص ۲۳.

در اصول به ادله نامحتمل به تاویل درست شده است طرفی بگویم. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۵۹)

### نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش شده است تفاسیر حاوی مرویات کعب مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به گستردگی بحث، بازه زمانی قرن اول تا اواخر قرن ششم هدف مطالعه قرار گرفته است. ۱۶ تفسیر از مهم ترین تفاسیر تدوین شده در این ۶ قرن بررسی شد که از این مجموعه حدود ۸ تفسیر فاقد روایات کعب بودند، این تفاسیر عبارتند از: القرآن الکریم (ابوحزمه ثمالی)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، تفسیر عیاشی، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، نفائس التاویل (شریف مرتضی)، فقه القرآن (راوندی) و متشابه القرآن و مختلفه (ابن شهر آشوب).

۸ تفسیر حاوی روایات کعب بودند: تفسیر قمی، فرات کوفی، التیان، مجمع البیان و جوامع الجامع، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، روض الجنان و روح الجنان و المنتخب فی تفسیر القرآن.

به نظر می رسد گرایش تفسیری مفسران ارتباط مستقیمی با ورود مرویات مروجان اسرائیلیات از جمله کعب الاحبار به تفاسیر شیعه دارد، چنانکه بررسی تفاسیر شیعه از قرون اولیه تا اواخر قرن ششم نشان می دهد که تفاسیر قرون اولیه با توجه به اینکه بیشتر صبغه روایی (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، قمی، فرات کوفی، عیاشی)، کلامی (حقائق التاویل شریف الرضی، نفائس التاویل شریف مرتضی) و فقهی (فقه القرآن) دارند، در اینگونه تفاسیر مرویات اندکی از کعب موجود است. هر چند که در انتساب تفاسیر؛ قمی، مقاتل بن سلیمان و فرات کوفی به صاحبانشان شک و تردید وجود دارد، بنابراین مادامی که دلیل قطعی در انتساب این دسته از تفاسیر به صاحبان خود وجود نداشته باشد، نمی توان مفسران را متهم به ورود اسرائیلیات کرد.

با ورود به قرن ششم مرویات کعب در تفاسیر شیعه افزایش یافته تا جاییکه در تفسیر ابوالفتوح رازی به اوج خود می رسد که این مساله بدین دلیل است که قرن ششم قرن اوج و



گسترش تفاسیر واعظانه است و تفسیر روض الجنان ابوالفتوح رازی جزء اولین تفاسیر واعظانه شیعه است که در قرن ششم نگارش شده است. این گرایش تفسیری به نقل داستان‌ها توجه ویژه‌ای نشان داده و از آنجاییکه بخش عمده مرویات کعب مربوط به نقل جزئیات داستان‌هاست، بنابراین در این دسته تفاسیر مرویات کعب به طور گسترده‌ای بروز کرده است. در نتیجه می‌توان گفت که تعداد اقوال مروی از کعب در تفاسیر مورد بحث از روند ثابتی برخوردار نبوده و در یک جهش صعودی و نزولی قرار گرفته است، که علت آن بیشتر مربوط به سبک و گرایش مفسران در تدوین تفاسیر است.

مجموع ۹۷ قول مروی از کعب در تفاسیر مورد بحث به ۸ گونه قابل تقسیم است: ۱. تبیین واژه‌های قرآنی ۲. شرح و توضیح آیات ۳. تبیین آیات قرآن در قالب بیان مصادیق ۴. نقل جزئیات داستان ۵. بیان اوصاف ۶. بیان حکم فقهی در یک جریان تاریخی ۷. بیان خواص آیه ۸. تطبیق آیات قرآن با تورات. مفسران به ۳ صورت با هر کدام از این گونه‌ها مواجه شده‌اند: ۱. نقل بدون داوری ۲. پذیرش روایات کعب ۳. رد روایات کعب

در نهایت می‌توان گفت، بررسی مجموعه تفاسیر شیعه از قرن اول تا اواخر قرن ششم نشان دهنده این مهم است که سبک و گرایش تفسیری مفسران نقش بسزایی در نقل روایات کعب داشته، تفاسیری که بیشتر جنبه واعظانه و داستانی دارند آمار اقوال کعب در آن‌ها بیشتر است. به نظر می‌رسد آن دسته از روایات کعب که با بی‌توجهی مفسران روبه‌رو هستند، مدخلیتی در فهم آیات نداشته‌اند و از طرفی در شمار موارد اختلافی بوده‌اند که افراد زیادی نسبت به آن اظهار نظر کرده‌اند، مفسران نیز در بین موارد اختلافی به روایت کعب به‌عنوان یکی از آن موارد اشاره نموده‌اند.

## منابع

- قرآن کریم.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (بی‌تا)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
- ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۰۹ق)، *المنتخب من تفسیر القرآن*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، **من لایحضره الفقیه**، قم: جامعه مدرسین.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ق)، **البدایه و النهایه**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابو الفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، **روض الجنان و روح الجنان فی التفسیر القرآن**، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابو ذؤیب، اسرائیل (۲۰۱۳م)، **کعب الاحبار مسلمة اليهود فی الاسلام**، بیروت: مرکز الاکادیمی للابحاث.
- ابوریه، محمود (۱۴۲۸ق)، **الاضواء علی السنه المحمدیه**، قم: دارالکتب الاسلامی.
- ابوشهبه، محمد بن محمد (۱۴۰۸ق)، **الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر**، قاهره: مکتبه السنه، چاپ چهارم.
- الیاس، خلیل اسماعیل (۱۴۲۸ق)، **کعب الاحبار و اثره فی التفسیر**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- امین، احمد (۱۹۷۵م)، **فجر الاسلام**، بیروت: دارالکتب العربی.
- بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق)، **صحیح بخاری**، بیروت: دار ابن کثیر.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۹ش)، **تاریخ تفسیر قرآن کریم**، تهران: انجمن علمی دانشگاه امام صادق (ع).
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، **معجم رجال الحدیث**، بی جا: بی نا.
- ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۲۷ق)، **سیر اعلام النبلاء**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ذهبی، محمد حسین (۱۴۱۱ق)، **الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث**، قاهره: مکتبه وهبه، چاپ چهارم.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۶ق)، **حقائق التاویل فی متشابه التنزیل**، بیروت: دارالاضواء.
- شریفی، محمد (۱۳۹۴ش)، «معرفی و سیر تطور تفاسیر واعظانه شیعه»، **شیعه پژوهی**، سال دوم، شماره پنجم، ص ۱۰۹-۱۳۵.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۴ش)، **تفسیر نور علی نور** (تعلیقات علامه شعرانی بر روض الجنان و روح الجنان)، قم: موسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.

- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۸۷ش)، **مفاتیح الاسرار و مصابیح الابوار**، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۰۲ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، **جوامع الجامع**، قم: حوزه علمیه.
- ----- (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- العامری، یوسف محمد (۱۴۱۲ق)، **کعب الاحبار مروياته و اقواله فی التفسیر بالمأثور**، عربستان: جامعه ام القرى.
- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۴۱۵ق)، **تهذیب التهذیب**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- ----- (۱۳۵۸ق)، **الاصابه فی تمییز الصحابه**، مصر: مصطفى محمد.
- عسکری، سید مرتضی (۱۳۸۸ش)، **نقش ائمه در احیای دین**، قم: دانشکده اصول دین.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۷۲ش)، **طبقات مفسران شیعه**، قم: نوید اسلام.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، **تفسیر قمی**، قم: دارالکتاب.
- کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، **تفسیر فرات کوفی**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲ش)، **دایره المعارف قرآن کریم**، قم: بوستان کتاب.
- مزی، ابن ابی الحجاج یوسف بن عبدالرحمن (بی تا)، **تهذیب الکمال فی اسماء الرجال**، بیروت: دارالمأمون للتراث.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۱۸ق)، **التفسیر و المفسرون**، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- ----- (۱۳۹۱ش)، **تفسیر و مفسران**، قم: انتشارات التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موحدی محب، عبدالله (۱۳۷۸ش)، «نگاهی به تفسیر فرات کوفی»، **آیین پژوهش**، شماره ۶۰، ص ۳۳-۴۵.
- نووی، ابی زکریا یحیی بن شرف (بی تا)، **تهذیب الاسماء و اللغات**، بیروت: اداره الطباعة المنیریة.